

﴿ سوره غافر ، ترجمه الهی قمشه ای ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم (از اسرار خدا و رسول است) . (1) نزول این کتاب آسمانی (قرآن) از جانب خدای مقتدر داناست. (2) خدایی که بخشنده گناه و پذیرنده توبه (بندگان با ایمان) و منتقم سخت (از مردم ظالم بی ایمان) و صاحب رحمت و نعمت است، جز او هیچ خدایی نیست، بازگشت همه به سوی اوست . (3) و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید) . (4) (اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همّت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد ، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم! (5) و همین گونه وعده خدای تو بر (عقاب و کیفر) کافران (امتت) محقق و حتم است که آنها همه اهل دوزخ هستند. (6) فرشتگانی که عرش (با عظمت الهی) را بر دوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می طلبند که ای پروردگاری که علم و رحمت بی منتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است، گناه آنان که توبه کردند و راه (رضای) تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب

دوزخ محفوظ دار. (7) پروردگارا، تو آنها را به بهشت عدنی که وعدهشان فرمودی با پدران (و مادران) صالح و هم جفت و فرزندانشان و اصل گردان، که همانا تویی خدای با حکمت و اقتدار. (8) و هم آن مؤمنان را از ارتکاب اعمال زشت نگاه دار، که هر که را تو از زشتکاری امروز محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده‌ای و آن به حقیقت رستگاری بزرگ (از بلاها و فیروزی عظیم در آخرت) خواهد بود (9) آنان که کافر شدند (چون به دوزخ در افتند و از فرط خشم دشمن جان خود شوند) به آنها خطاب شود که خشم و قهر خدا بسیار از خشم شما بر خود سخت‌تر است چرا که شما را به ایمان دعوت می‌کردند و شما کافر می‌شدید. (10) در آن حال کافران گویند: پروردگارا، تو ما را دو بار بمیرانیدی و باز زنده کردی (یک بار در دنیا میرانیدی و در قبور و عالم برزخ زنده کردی، دوم بار در قبور میرانیدی و به قیامت زنده کردی) تا ما به گناهان خود اعتراف کردیم، آیا اینک ما را راهی هست که از این عذاب دوزخ بیرون آییم؟ (11) (به آنها گویند) این عذاب برای آن است که شما چون خدا به یکتایی یاد می‌شد به او کافر می‌شدید و اگر بر او شریک می‌گرفتند ایمان می‌آوردید، پس اینک حکم (عفو و عقوبت شما) با خدای متعال بزرگوار است. (12) اوست خدایی که به شما آیات (قدرت) خود را (در عالم آفاق و انفس) پدیدار می‌سازد و از آسمان (به وسیله برف و باران) بر شما روزی می‌فرستد، و متذکر این معنی نشوند مگر کسانی که دایم رو به درگاه خدا آرند. (13) پس خدا را بخوانید در حالی که دین را برای او خالص کرده باشید هر چند کافران نخواهند. (14) که او دارای شئون

و مراتب رفیع و صاحب عرش (عظیم) است، روح (همان فرشته جان بخش) را از امر خود بر هر که از بندگانش بخواهد می‌فرستد تا خلق را از روز ملاقات (ثواب و عقاب) بترساند. (15) آن روزی که همه خلق پدیدار شوند (و نیک و بدشان آشکار گردد) که هیچ کرده آنها بر خدا پنهان نباشد. در آن روز سلطنت عالم با کیست؟ با خدای یکتای بس قاهر منتقم است. (16) آن روز هر نفسی به آنچه کرده جزا خواهد یافت، آن روز بر هیچ کس ستم نخواهد شد که خدا (ی عادل) حساب خلق به یک لحظه می‌کند. (17) و (ای رسول) امت را از روز نزدیک (قیامت) بترسان که (از هول و ترس) آن روز جانها به گلو می‌رسد و از بیم آن حزن و خشم خود فرو می‌برند و ستمکاران را هیچ یار گرم و دلسوز و یاورى که شفاعتش پذیرفته شود نخواهد بود. (18) و خدا بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه‌های نهانی دلها (ی مردم) آگاه است (19) و خدا به حق حکم می‌کند و غیر او آنچه را به خدایی می‌خوانند هیچ حکم (و اثری) در جهان نتوانند داشت، خداست که (دعای خلق را) شنوا و (به احوال بندگان) بیناست. (20) آیا (مردم) در روی زمین سیر و سفر نکردند تا عاقبت کار پیشینیانشان را ببینند که آنها با آنکه بسیار از اینان قوی‌تر و آثار وجودیشان در روی زمین بیشتر بود سرانجام خدا به کیفر گناهانشان بگرفت (و همه را هلاک ساخت) و از (قهر و انتقام) خدا هیچ کس نگهدارشان نبود. (21) این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است. (22) و همانا موسی را با

آیات و معجزات و حجّت آشکار فرستادیم. (23) به سوي فرعون و هامان و قارون، آنها گفتند: او ساحر بسيار دروغگويي است. (24) و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقيقت به سوي آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: برويد پسران آنان که به موسي ايمان آوردند بکشيد و زنانشان را زنده گذاريد (تا ضعيف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوي کرديم) آري مکر و تدبير کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نيابد. (25) و فرعون (به درباريانش) گفت: بگذاريد تا من موسي را به قتل رسانم و او خدای خود را به ياري طلبد، مي ترسم که آيين شما را تغيير دهد و در زمين فتنه و فسادي برانگيزد. (26) و موسي گفت: من به خدای آفريننده من و شما (و همه عالم) از شرّ هر (کافر) متکبري که به روز حساب ايمان نمي آورد پناه مي برم. (27) و مرد با ايماني از آل فرعون که ايمانش را پنهان مي داشت (با فرعونيان) گفت: آيا مردی را به جرم اينکه مي گويد: پروردگار من خداست مي کشيد، در صورتي که با معجزه و ادلّه روشن از جانب خدايتان براي (هدايت) شما آمده است؟! اگر او دروغگوست گناه دروغش بر خود اوست و ليکن اگر راستگو باشد از وعده هاي او بعضي به شما برسد (و همه هلاک خواهيد شد) که خدا البته مردم مسرف (ستمکار) و دروغگو را هرگز هدايت نخواهد کرد. (28) اي قوم، امروز ملک و سلطنت و چيرگي بر زمين (مصر) با شماست، ليکن اگر قهر و انتقام خدا بر ما برسد کيست که ما را از آن نجات تواند داد؟ فرعون باز گفت: جز آن که رأي (به قتل موسي) دادم رأي ديگر نمي دهم (و جز اين صلاح نمي دانم) و شما را جز به راه صواب دلالت نمي کنم. (29)

باز همان شخص با ایمان (به فرعونیان) گفت: ای قوم، من بر شما می‌ترسم از روزی مانند روز سخت احزاب (و امم پیشین) . (30)

مثل روزگار ناگوار قوم نوح و عاد و ثمود و امم بعد از اینان (که همه به کیفر کفر و عصیان هلاک شدند) و خدا هیچ اراده ظلم در حق بندگان نکند (و هلاک آنها به سوء اختیار خود است) (31) و ای قوم، من بر شما از (عذاب) روز قیامت که خلق (از سختی آن به فریاد آیند و) یکدیگر را بخوانند سخت می‌ترسم. (32) (روزی که (از عذاب آن) به پشت بگریزید و هیچ از (قهر) خدا پناهی نیابید. و هر که را خدا در گمراهی واگذارد دیگر برای او راهنمایی نیست. (33) و از این پیش یوسف (کنعان) به سوی شما (مصریان) با معجزات و ادله روشن (به رسالت) آمد و دایم از آیاتی که برای شما آورد در شک و ریب بماندید تا آنکه یوسف از دنیا برفت، گفتید که دیگر خدا پس از یوسف هرگز رسولی نمی‌فرستد. بلی این چنین خدا مردم مسرف (ستمگري) را که (در آیات خدا و معجزات رسل) در شک و ریبند به گمراهی و خذلان خود وا می‌گذارد. (34) آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان به جدال و انکار برمی‌خیزند این کار، سخت خدا (و رسول) و اهل ایمان را به خشم و غضب آرد. بلی این گونه خدا بر دل هر متکبر خود کامه‌ای مهر (شقاوت) می‌زند (که با سعادت خود دشمن می‌شود) . (34) و فرعون (به وزیرش) گفت: ای هامان، برای من کاخی بلند پایه (آسمان خراش) بنیاد کن تا شاید به درها راه یابم(35) به درهای آسمانها و بر خدای موسی آگاه شوم (و از صدق و کذب موسی تحقیقی کنم) و من هنوز موسی را دروغگوي می‌پندارم. و این چنین در نظر جاهلانه فرعون عمل

زشتش زیبا نمود و راه حق (و خدا پرستی) بر او مسدود شد، و مکر و تدبیر فرعون جز بر زیان و هلاکش به کار نیامد. (37) و باز همان شخص مؤمن گفت: ای قوم، مرا پیروی کنید تا شما را به راه حق و صواب دلالت کنم. (38) ای قوم، این زندگانی (فانی) دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی (و حیات جاودانی) است. (39) (و بدانید که) هر کس کار بدی (در دنیا) کرده (آنجا) الاً به مثل آن مجازات نشود، و هر که از مرد و زن عمل صالح به جا آورده در صورتی که با ایمان باشند آنان در بهشت جاودان داخل شوند و آنجا از رزق بی حساب (و نعمت بی شمار) برخوردار گردند. (40) و ای قوم، چرا من شما را به راه نجات (و طریق بهشت) دعوت می‌کنم و شما مرا به سوی آتش دوزخ می‌خوانید؟ (41) شما مرا دعوت می‌کنید که به خدا کافر شوم و از بی‌دانشی بتی را که در جهان هیچ مؤثر نمی‌دانم شریک خدا قرار دهم، و من شما را به سوی خدای مقتدر بسیار با بخشش و آمرزش می‌خوانم (42) بی‌شک آنچه شما مرا به سوی او می‌خوانید (از بتها و فراعنه و معبودان باطل) آن هیچ دعوتی (و اثر سودمندی) در دنیا و آخرت ندارد و محققاً (بدانید که در قیامت) بازگشت ما به سوی خداست و البته مسرفان (ستمکاران فاسق در آنجا) همه اهل آتش دوزخند. (43) پس به زودی گفتارم را (هنگام پاداش عمل) متذکر می‌شوید و من کار خود به خدا وامی‌گذارم، که او کاملاً بر احوال بندگان بیناست. (44) (قوم به جای آنکه پند مؤمن آل فرعون را بشنوند قصد آزارش کردند) پس خدا از شر و مکر فرعونیان او را محفوظ داشت و عذاب سخت آل فرعون را فرا گرفت (و همه به

دریای هلاک غرق شدند). (45) (اینک که در عالم برزخند) آنها صبح و شام بر آتش دوزخ عرضه می‌شوند، و چون روز قیامت بر پا شود (خطاب آید که) فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید. (46) و (یاد آر) وقتی که در آتش دوزخ با هم به احتجاج و مجادله برآیند، ضعیفان ملت به پیشوایان گردنکش خود می‌گویند: ما (در دنیا) پیروی شما کردیم (که گمراه شدیم) آیا می‌توانید امروز شما هم به عوض آن از آتش عذاب ما بکاهید؟ (47) پیشوایان متکبر پاسخ دهند که ما و شما همه باید در آتش دوزخ (یکسان معذب) باشیم، که خدا میان بندگان البته (به عدل) حکم فرموده است. (48) و اهل دوزخ به خازنان جهنم گویند: از خدای خود بخواهید که روزی عذاب ما را تخفیف دهد. (49) آنها پاسخ دهند که آیا پیغمبران شما با معجزات و ادله روشن برای (هدایت) شما نیامدند؟ دوزخیان گویند: آری آمدند (ما پیروی آنان نکردیم و بدین روز سیاه افتادیم). پس خازنان جهنم گویند: اینک هر چه می‌خواهید دعا (و ناله) کنید، که دعای کافران جز در ضلالت (و زیان) نخواهد بود. (50) ما (که خدای تواناییم) البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا ظفر و نصرت می‌دهیم و هم روز قیامت که گواهان (اعمال نیک و بد) به شهادت برخیزند (مؤمنان را به مقامات بهشتی پاداش می‌دهیم). (51) در آن روز ستمکاران را (پشیمانی و) عذرخواهی سود ندهد و بر آنها خشم و لعن و منزلگاه بد (جهنم) مهیاست. (52) و همانا ما به موسی مقام هدایت عطا کردیم و بنی اسرائیل (قوم او) را وارث کتاب (بزرگ تورات) گردانیدیم. (53) تا آن قوم هدایت یابند و خردمندان پند گیرند. (54) پس (ای رسول ما، بر آزار امت) صبر

کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن (یعنی بر گناه امت نادان از درگاه خدا آمرزش خواه) و صبح و شام به تسبیح و ذکر و ستایش پروردگار خود پرداز. (55) آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست. (56) البته خلقت آسمانها و زمین بسیار بزرگتر و مهمتر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمی‌کنند. (57) و هرگز (جاهل) نابینا و شخص (عالم) بینا یکسان نیستند و هم آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند (نزد خدا) با (کافران) بدکردار مساوی (در درجات آخرت) نیستند، لیکن بسیار کم این حقیقت را متذکر می‌شوید. (58) البته ساعت قیامت بی‌هیچ شک می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند. (59) و خدای شما فرمود که مرا با (خلوص دل) بخوانید تا دعای شما مستجاب کنم. آنان که از (دعا و) عبادت من اعراض و سرکشی کنند زود با ذلت و خواری در دوزخ شوند. (60) خداست آن که شب تار را برای آسایش و استراحت شما قرار داده و روز را (برای کسب و کار شما به چراغ خورشید) روشن گردانید، که خدا را در حق مردمان فضل و احسان است و لیکن اکثر مردم شکر (نعمتش) به جا نمی‌آرند. (61) همان خدا پروردگار شما آفریننده همه موجودات عالم است، جز او هیچ خدایی نیست، پس (ای بندگان) از درگاه یگانه معبود حق به کجا بازگردانیده (و فریفته معبودان باطل) می‌شوید؟ (62) آنان

که آیات (و رسل) الهی را انکار کردند هم این گونه (از بندگی حق) باز گردانیده (و مغرور معبودان باطل) می‌شوند. (63) خداست آن که زمین را آرامگاه شما قرار داد و آسمان را (کاخ‌ی رفیع) برافراشت و شما را به نیکوترین صورتها بیافرید و از غذاهای لذیذ خوش به شما روزی داد، این خدا پروردگار شماست، زهی برتر و بزرگوار است خدای یکتا پروردگار عالمیان. (64) او خدای زنده ابد است، جز او هیچ خدایی نیست، پس تنها او را بخوانید و به اخلاص در دین بنده او باشید، که ستایش و سپاس مخصوص خدای یکتا آفریدگار عالمیان است. (65) (ای رسول ما، بت پرستان را) بگو که مرا از پرستش معبودان باطلی که شما به جای خدا می‌پرستید البته منع کرده‌اند چرا که بر من از خدای خود (به وحی) آیات و ادله روشنی آمده است و من مأمورم که تنها تسلیم امر خدای عالمیان باشم. (66) اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آن گاه از خون بسته علقه، پس شما را (از رحم مادر) طفلی بیرون آورد تا آنکه به سنّ رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سنّ پیری وفات کنند و تا همه به اجلی معین برسید و (این چنین کردیم تا) مگر (قدرت خدا را) تعقل کنید (67) اوست خدایی که (خلائق را) زنده می‌کند و می‌میراند و چون به خلقت چیزی حکم نافذ و مشیت کاملش تعلق گیرد به محض اینکه گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود (68) آیا کسانی را که در آیات ما راه جدال و انکار پیمودند ندیدی که چگونه (از حق) بازگردانیده شوند؟ (69) آنان که کتاب ما را و احکامی که رسولان خود را بر ابلاغ آن فرستادیم تکذیب کردند

به زودي (کيفر کردارشان را) خواهند دانست(70) آن گاه که گردنهاشان با غل و زنجيرها (ي آتسين) بسته شود و کشيده شوند. (71) در حميم دوزخ (و آب گرم و عفن جهنم) ، سپس در آتش سوخته و افروخته شوند. (72) آن گاه به آنها گویند: کجا رفتند معبودان باطلاي که شريك خدا مي‌شمردید، (73) و از خدا روي مي‌گردانيدید؟ آن مشرکان جواب گویند: آن بتها همه از نظر ما محو و نابود شدند، بلکه ما از اين پيش چيزي را به خدائي نمي‌خوانديم. خدا اين گونه مردم کافر (مشرک) را گمراه مي‌گرداند (يعني از رحمت خود محروم مي‌کند). (74) اين قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنيا از پي تفریح و هوسراني باطل بودید و دایم به نشاط و شهوت پرستي سرگرم شدید. (75) اینک (به کيفر کفرتان) به درهاي دوزخ درآيید که آنجا جاودان معدّب خواهيد بود، که متکبران را (که سر از فرمان حق کشيدند در آخرت) بسيار منزلگاه بدي است. (76) پس (اي رسول، چند روزي بر آزار کافران امت) صبر کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است، که اگر آنها را در حيات تو و مقابل چشم تو به بعضي از وعده‌هاي خود که به آنها مي‌داديم (به شمشير تو) عقوبت کنيم يا چنانچه تو را قبض روح کنيم باز رجوع آنها به سوي ماست (و در قيامت به کيفر اعمالشان مي‌رسانيم) (77) و همانا ما رسولان بسياري پيش از تو فرستاديم که احوال بعضي را بر تو حکايت کرديم و برخي را نکرديم و هيچ رسولي جز به امر خدا نشايد معجز و آيتي (براي امت) بياورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حقّ و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زيانکار شوند.

(78) خداست آن که برای شما آدمیان چهار پایان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید. (79) و نیز نفع بسیار دیگر از آنها ببرید و (از سواری و باربری و شیار زمین) حوائج و اغراضی که در دل دارید با آنها (در سفر و حضر) انجام دهید و بر آنها (در خاک) و بر کشتی‌ها (در آب) سوار می‌شوید (80) و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام یک از آیات الهی را انکار توانید کرد؟ (81) آیا این مردم در زمین به سیر و سفر نرفتند تا عاقبت حال پیشینیانشان را که از اینها بسیار بیشتر و قوی‌تر و مؤثرتر در زمین بودند مشاهده کنند؟ (که چگونه همه هلاک شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و هلاکت) حفظ و حمایت نکرد. (82) پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت. (83) و چون شدت قهر و عذاب ما را به چشم دیدند در آن حال (از کفر و شرک پشیمان شده و) گفتند: ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و به همه بت‌هایی که شریک خدا می‌گرفتیم کافر شدیم. (84) اما ایمانشان پس از دیدن مرگ و مشاهده عذاب ما بر آنها هیچ سودی نبخشید. سنت خدا (و حکمت الهی از ازل) چنین در میان بندگان حکمفرما بوده (که رسول و کتاب به امر و نهی و وعده ثواب و عقاب و نجات مؤمنان و هلاک کافران بفرستد تا خلق به اطاعت و عصیان امتحان شوند) و آنجا کافران زیانکار شدند. (85)